

سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران

حسین مسعودنیا^۱
داود نجفی^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۱/۸

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره سیزدهم - زمستان ۱۳۹۰

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران با ترکیه از سال ۲۰۰۲ پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان به رهبری حزب عدالت و توسعه وارد مرحله‌ای جدید شد که از آن به بهار روابط دو کشور یاد می‌شود. اما به نظر می‌رسد تحولات اخیر در خاورمیانه روابط دو کشور را با چالش‌هایی مواجه کرده است. لذا مقاله حاضر تلاش دارد مؤلفه‌های تغییر سیاست آنکارا را با توجه به تئوری سازه‌نگاری تحلیل کند و پیامدهای آن را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های پژوهش مؤید این فرض است که عمده‌ترین چالش‌ها در روابط ایران و ترکیه حول سه موضوع متمرکز شده است: تحولات سوریه، جریان موسوم به بیداری اسلامی و استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه. عامل سوم بیشترین تأثیر را در روابط دو کشور داشته است، زیرا بر خلاف عوامل پیشین، تهدید مستقیمی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی همراه با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی

ایران، ترکیه، بیداری اسلامی، سامانه دفاع موشکی، سیاست خارجی

۱. دکتری علوم سیاسی، استادیار دانشگاه اصفهان

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲، روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه وارد مرحله‌ای جدید شد و رو به بهبود گذاشت. اوج این روابط در سال ۲۰۰۹ بود که ترکیه اقدام به میانجی‌گری در پرونده هسته‌ای ایران کرد و همراه با برزیل بیانیه تهران را به امضا رساندند. اما پس از وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی موسوم به «بیداری اسلامی» و اتخاذ برخی سیاست‌ها از سوی ترکیه در راستای همکاری با آمریکا و ناتو، به نظر می‌رسد روابط تهران-آنکارا با چالش‌هایی مواجه شده و برخی سیاست‌های ترکیه، امنیت ملی ایران را با تهدیدهایی مواجه کرده است. از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به مجموعه غرب، به ویژه آمریکا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. اگرچه روابط ترکیه با آمریکا و اروپا افت و خیزهایی داشته، در نگاهی کلی ترکیه هیچ‌گاه در سیاست خارجی خود غرب، به ویژه آمریکا را از اولویت اصلی خود خارج نکرده است و این روند هم‌چنان ادامه دارد. در نتیجه سیاست خارجی جدید دولت اسلام‌گرای ترکیه موسوم به نئوعثمانی‌گرایی، تداوم سیاست عثمانی‌گرایی در دوره کمالیسم و امپراتوری عثمانی به معنی نفوذ در جهان اسلام و تلاش برای کسب رهبری آن، رقابت با ایران، حفظ و گسترش روابط با غرب به ویژه ایالات متحده و تلاش برای کسب موقعیت برتر ترکیه در منطقه است. با توجه به چنین تحولاتی، محور اصلی پژوهش حاضر را این سؤال تشکیل می‌دهد که بر اساس نظریه سازه‌نگاری، اصول سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای اردوغان چیست و این اصول چه تهدیدهایی فراروی امنیت ملی ایران قرار داده است؟ علاوه بر سؤال اصلی، سؤال‌های فرعی پژوهش عبارت است: چه عواملی باعث به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه شد؟ پیروزی این گروه چه پیامدهایی در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال دارد؟ این دولت در سیاست خارجی خود چه جایگاهی برای جمهوری اسلامی ایران قائل است؟

نگارندگان مقاله حاضر بر این باورند که با پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در انتخابات ژوئن ۲۰۱۱، هدف فعلی سیاست خارجی ترکیه، موسوم به نئوعثمانی‌گرایی، تداوم سیاست عثمانی‌گرایی به منظور نفوذ در جهان اسلام، رقابت با ایران، حفظ و گسترش روابط با غرب و تلاش برای کسب موقعیت برتر ترکیه در منطقه است. با توجه به اتخاذ چنین سیاستی، روابط ایران و ترکیه در سه حوزه اصلی به چالش کشیده خواهد شد: تحولات سوریه و جریان موسوم به بیداری اسلامی به دلیل تلاش ترکیه برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه و نیز کسب رهبری جهان اسلام و استقرار سامانه



دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه در راستای حفظ و گسترش روابط این کشور با غرب به ویژه ناتو و ایالات متحده. از سه عامل فوق، عامل سوم بیشترین چالش را فراروی روابط ایران و ترکیه ایجاد کرده است، زیرا تهدید مستقیمی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به بررسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی ترکیه می‌پردازد و تهدیدهای امنیتی ایجادشده فراروی جمهوری اسلامی ایران را در ذیل این سیاست بررسی می‌کند.

۱. چارچوب نظری پژوهش

به طور کلی، نظریه‌ها سیاست خارجی را با دو رویکرد مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهند. یک گروه نقش عوامل داخلی و خارجی (مادی و محیطی) را علت اصلی شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها قلمداد می‌کنند. طرفداران این گروه در تاریخ اندیشه‌های روابط بین‌الملل به خردگرایان^۱ مشهورند که به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست، نظریه‌هایی که کانون توجه خود را به سطح کلان معطوف کرده‌اند و سیستم بین‌الملل را عامل اصلی تعیین رفتار دولت‌ها می‌دانند. دسته دوم، نظریه‌هایی که سیاست خارجی دولت‌ها را در سطح خرد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند و برای عوامل داخلی در تعیین سیاست خارجی دولت‌ها اولویت قائل‌اند (Martin, 1999: 50). گروه دوم، نظریه‌های معناگرا هستند که بر نقش عوامل غیرمادی و فرهنگی در تعیین سیاست خارجی دولت‌ها تأکید می‌کنند. یکی از مصادیق مهم این طیف که به انعکاس‌گرایان^۲ مشهورند، معتقد به نظریه سازه‌انگاری هستند. سازه‌انگاری رفتار دولت را در متن اجتماعی آن دولت مورد بررسی قرار می‌دهد. طبق نظریه سازه‌انگاری، بازیگران بر حسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود (که متأثر از تلقی‌های هویتی آنهاست) اقدام به کنش متقابل می‌کنند که طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این امر در بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور بدین شکل است که یک دولت، بر اساس تعریف از هویت خود، جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و براساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و متقابلاً خود نیز ساخته می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۳). از سوی دیگر، تحلیل سازه‌انگارانه تأثیر تاریخ در شکل‌دهی به سیاست خارجی را مورد توجه قرار می‌دهد. مکتب سازه‌انگاری معتقد است که هویت یک دولت با توجه به ارزش‌های

1. Rationalists
2. Relectivists

گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولت‌مردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص و ویژه، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند. بدون شک، سازه‌انگاری در تحلیل سیاست خارجی الگوی سنتی را نادیده نمی‌گیرد، بلکه با عاریت گرفتن وسایل آن، به احیای روشمند نقش باورها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی می‌پردازد (ونت، ۱۳۸۴).

با توجه به ظرفیت‌های تئوریک نظریه سازه‌انگاری در مقاله حاضر سعی شده است این دیدگاه برای تحلیل سیاست‌های جدید ترکیه در خاورمیانه به کار گرفته شود. بر این اساس ابتدا اصول سیاست خارجی جدید ترکیه و پیامدهای آن در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس فرایند تغییر در خط‌مشی سیاست خارجی این کشور تجزیه و تحلیل می‌شود.

۲. اسلام‌گرایان در ترکیه؛ از انزوا تا کسب قدرت

اسلام‌گرایان فعلی عدالت و توسعه، این حزب را از لایه مدرن حزب منحل‌شده رفاه تأسیس کردند. پس از وقوع کودتای سفید علیه اربکان و انحلال حزب رفاه به رهبری وی، دادگاه قانون اساسی اربکان را مجبور به استعفا کرد. اتفاقات پس از آن موجب زندانی شدن اربکان و رجب طیب اردوغان شد، ولی اردوغان پس از مدتی از زندان رهایی یافت و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. پس از انحلال حزب رفاه به رهبری اربکان، حزب فضیلت به رهبری رجایی کوتان جانشین آن شد، ولی این حزب هم به علت عدم تحمل شدن از سوی نظامیان، توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. فقدان استحکام لازم درونی و رهبری کاریزماتیک باعث شد که درگیری و اختلاف درون این حزب شروع شود. درگیری بین محافظه‌کاران حزب به رهبری رجایی کوتان و اصلاح‌طلبان به رهبری عبدالله گل بر سر فهم اسلام و برداشت و تفسیر آن در مسائل روزمره شدت گرفت، تا جایی که رجایی کوتان پس از انحلال حزب فضیلت، حزب سعادت را با گرایش‌های اسلامی محافظه‌کارانه تأسیس کرد. اصلاح‌طلبان و نوگرایان آن نیز حزب عدالت و توسعه را به رهبری اردوغان و عبدالله گل تأسیس کردند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۰).

انتخابات زودهنگام سال ۲۰۰۲ به پیروزی نوگرایان انجامید. حزب عدالت و توسعه توانست با اتخاذ دیدگاه‌های معتدل و غیرایدئولوژیک ۳۴/۲ درصد آرا را کسب کند و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب دولت تشکیل دهد (کوزه‌گر، ۱۳۸۶: ۳۶). این حزب از زمان به قدرت رسیدن تاکنون کمتر درصد تشکیل حکومت اسلامی بوده



است. می‌توان گفت آنها سکولارند تا اسلام‌گرا، چون مذهب را به امور فردی و شخصی منحصر کرده‌اند و حاضر نیستند احکام اسلام را در جامعه ترک پیاده کنند. اردوغان در چند مرحله اعلام کرد که گرایش‌های حزب عدالت و توسعه به اسلام، درست به اندازه گرایش‌های حزب دموکرات مسیحی آلمان به آموزه‌های مسیح است و همان اندازه که مسیحیت در تصمیم‌های حزب دموکرات مسیحی آلمان نقش دارد، اسلام هم در تصمیم‌های ما نقش دارد. رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر و رهبر حزب عدالت و توسعه، و هم‌چنین عبدالله گل بارها تأکید کرده‌اند که هیچ برنامه‌ای برای برقراری دولت اسلامی در ترکیه ندارند و به قانون اساسی سکولار کشورشان پای‌بندند (Strategic Review: 15/6/1390).

پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در انتخابات زودهنگام پارلمانی ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ باعث شد که تحلیلگران از زوایا و دیدگاه‌های مختلف به بررسی علل موفقیت این حزب در این انتخابات بپردازند.

کارنامه موفق اقتصادی: در پنج سال اول حکومت حزب عدالت و توسعه از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ اقتصاد ترکیه رشد پایداری را تجربه کرد. حزب عدالت و توسعه نرخ تورم سه رقمی ترکیه را تک رقمی کرد، بیکاری را تا ۱۰ درصد کاهش داد، با حذف شش صفر از جلوی ارقام روی اسکناس‌ها ارزش پول ترکیه را در مقابل ارزهای خارجی افزایش داد، برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی تلاش بی‌وقفه‌ای کرد و موفق شد سرمایه‌های زیادی را حتی از کشورهای عربی جذب کند. در این مدت درآمد سرانه ترک‌ها به ۷۴۰۰ دلار رسید تولید ناخالص ترکیه حدود ۶ درصد رشد داشت و این رشد از سال ۲۰۰۲ تا به حال تقریباً مستمر بوده است. در سال ۲۰۰۴ حزب حاکم عدالت و توسعه موفق شد نرخ تورم را به ۹/۳ درصد کاهش دهد که این رقم طی ۳۰ سال گذشته در تاریخ ترکیه بی‌سابقه بوده است (GSr.ir 15/6/1390). به طور کلی در زمینه اقتصادی، حزب حاکم عدالت و توسعه با پیش گرفتن سیاست‌های آزادسازی، خصوصی‌سازی و همراهی با اقتصاد بازار جهانی به این دستاوردها نائل شد.

کارنامه موفق سیاست خارجی: در این زمینه نیز حزب حاکم عدالت و توسعه عملکرد موفقی داشته است. به خصوص در بحث حمایت از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حزب عدالت و توسعه موفق شد محبوبیت خود را بالا ببرد. موفقیت اردوغان در گرفتن تاریخی مشخص برای شروع مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا باعث شد که مردم ترکیه به او به عنوان قهرمانی ملی نگاه کنند. موضع‌گیری دولت اردوغان در جنگ امریکا علیه عراق هم اعتبار این گروه را نزد افکار عمومی به طور چشم‌گیری

افزایش داد، چون در این زمان افکار عمومی ترکیه به شدت مخالف جنگ بود. جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه در مسائل خاورمیانه، به خصوص در مورد جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل و همچنین تقبیح اقدامات خشن اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، باز هم به افزایش محبوبیت این حزب نزد افکار عمومی کمک کرد (واعظی، ۱۳۸۶: ۵). در کل حزب عدالت و توسعه در این دوره ضمن حفظ روابط با غرب، به دنبال گسترش روابط با جهان اسلام و شرق هم بوده است. مجموعه این اقدامات عامه مردم ترکیه را به این نتیجه رساند که دولت اردوغان سیاست خارجی موفق‌تری داشته است، پس می‌توان دوباره به این گروه رأی داد.

سیاست‌های اصلاحی داخلی: بدون شک سیاست‌های اصلاح‌گرایانه حزب عدالت و توسعه در پنج سال گذشته در پیروزی مجدد آن تأثیرگذار بوده است. در پی سیاست‌های اردوغان مبنی بر رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی، حذف اعدام از مجازات‌ها، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، رفع تبعیض‌های جنسیتی، کاهش تعداد و نقش نظامیان در منصب‌های اجرایی از جمله دبیر شورای امنیت ملی و دبیر آموزش و پرورش و... این برداشت در ذهن ترک‌ها شکل گرفت که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه افرادی دموکرات و قانون‌گرا هستند و بهتر است به این گروه رأی داده شود (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۷۴). سیاست‌های اصلاحی اردوغان باعث شد که اقلیت‌های قومی به خصوص کردها و اقلیت‌های دینی (علوی‌ها و طریقت‌های مذهبی) طرفدار او و حامی حزب عدالت و توسعه شوند. سیاست‌های اصلاحی اردوغان حتی تا حدودی اعتماد نظامیان را هم جلب کرد و از شدت خصومت آنها نسبت به اسلام‌گرایان کاست.

مشی میانه‌روی و اعتدال حزب عدالت و توسعه: دولت اردوغان در دوره اول حکومت خود پرهیز از افراط‌گرایی را سرلوحه کارها قرار داده بود و از موضع‌گیری‌های رادیکال دوری جست. با این اقدام دولت اسلام‌گرا بسیاری از اتهامات لائیک‌ها به دولت اردوغان از جمله اتهام داشتن برنامه‌ها و گرایش‌های رادیکال اسلامی این حزب خنثی شد. در این راستا، اردوغان قبل از برگزاری انتخابات اخیر نام ۱۵۶ نفر را از فهرست انتخاباتی خود حذف و ۱۵۶ نفر دیگر را جایگزین کرد (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۵). افرادی که از فهرست حذف شدند از جناح تندرو حزب عدالت و توسعه بودند و گرایش‌های اسلام‌گرایانه تندی داشتند، ولی ۱۵۶ نفر جایگزین‌شده از چهره‌های شاخص دانشگاهی، تکنوکرات‌ها و بعضاً چهره‌هایی لائیک (اما بریده از گرایش‌های افراطی لائیکی) هستند. حزب عدالت و توسعه با این اقدام باز هم به میانه‌روی نزدیک‌تر شد



و بسیاری از حربه‌های انتقادی مخالفین را خنثی کرد.

قرائت این حزب از اسلام: عدالت و توسعه اصولاً حزبی وابسته به جریان روشن فکری دینی در ترکیه است که قرائت‌های آن از مبانی اسلامی با قرائت سنت‌گرایان متفاوت است. ویژگی این جریان معرفی اسلام «رحمان و رحیم» است که همه انسان‌ها را دارای حقوق طبیعی و برخوردار از کرامت انسانی می‌داند. در این قرائت از اسلام، خشونت، ترورهای کور، مطلق‌اندیشی و مطلق‌بینی جایگاهی ندارد. روش فکری دینی در ترکیه توانسته است با مهارت و واقع‌بینی میان اسلام و مدرنیته پیوند زند و مبانی و اصول مدرنیته را بومی یا ترکی کند. آرام آرام بخش‌های قابل توجهی از مردم ترکیه قانع شده‌اند که می‌توان هم مسلمان بود، هم یک ملی‌گرای واقعی ترک و هم می‌توان به مبانی مدرنیته در قلمرو سیاست و اقتصاد متعهد بود (یزدی، ۱۳۸۶/۸/۱۰). علاوه بر موارد فوق، افول ایدئولوژی کمالیسم و مطرح شدن بحران هویت در ترکیه، سالم بودن کادر حزب عدالت و توسعه، قدرتمند شدن بازیگران غیردولتی و جدید در عرصه سیاسی ترکیه از جمله عواملی بودند که باعث شدند این حزب با قاطعیت بیشتری نسبت به انتخابات سال ۲۰۰۲، در انتخابات اخیر پیروز شود.

۳. پیامدهای دولت اسلام‌گرای اردوغان

حزب عدالت و توسعه برای اولین بار در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید و برای دومین بار در انتخابات پارلمانی ژوئیه ۲۰۰۷ توانست قدرت را حفظ کند. پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی اخیر موجب تشکیل کابینه توسط این حزب به رهبری رجب طیب اردوغان شد. این مسئله پیامدهایی در سطوح مختلف برای ترکیه به همراه داشته است. به نظر می‌رسد با پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه و تأیید اصلاحات مد نظر این حزب در قانون اساسی ترکیه از سوی مردم این کشور در سپتامبر ۲۰۱۰، روند کنونی سیاست خارجی ترکیه که برخی از آن به «نوعثمانی‌گرایی» یاد می‌کنند، تا چند سال آینده نیز تداوم یابد و هم‌چنان اثربخشی خود را روی معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. اما به طور کلی پیامدهای پیروزی دوباره اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه را می‌توان در یک تقسیم‌بندی در سه سطح بررسی کرد:

سطح داخلی: پیامد اصلی این پیروزی در سطح داخلی، حرکت ترکیه به سمت تثبیت دموکراسی در این کشور است. با این انتخابات ترکیه گامی دیگر به سوی دموکراسی برداشت. بدون شک این پیروزی در تضعیف موقعیت نظامیان مؤثر خواهد

بود. پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه نشان داد که نمی‌توان با زور و تحمیل ارزش‌هایی به جامعه، اعتقادات مردم را تغییر داد. پیامد دیگر آن باطل شدن این نگرش است که اسلام‌گرایی در ترکیه با دموکراسی منافات دارد. این انتخابات نشان داد که اسلام و دموکراسی با هم سازگارند. پیروزی مجدد اسلام‌گرایان ترکیه می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای جهان اسلام به سمت دموکراسی باشد و بدون شک ترک‌ها از این مورد در تأمین منافع ملی‌شان استفاده خواهند کرد. این پیروزی نشان داد که اسلام‌گرایی لزوماً مترادف غرب‌ستیزی نیست و گروه‌های اسلام‌گرا می‌توانند با مجموعه غرب تعامل مثبتی داشته باشند.

سطح منطقه‌ای: مهم‌ترین پیامد منطقه‌ای پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه، گسترش نقش ترکیه در بحران‌های منطقه‌ای و مسائل خاورمیانه به خصوص لبنان، فلسطین و جهان عرب خواهد بود. کادر ارشد حزب عدالت و توسعه علاقه‌ای ویژه به مسائل خاورمیانه و مناطق پیرامونی ترکیه دارد. به احتمال زیاد گرایش به اوراسیا در سیاست خارجی ترکیه تقویت و این کشور در بالکان به صورت جدی‌تری وارد خواهد شد. ترک‌ها در سیاست خارجی خود سال ۲۰۰۷ را سال «خاورمیانه» نام نهاده‌اند که از گرایش روزافزون ترکیه به خاورمیانه، و همسایگانش به خصوص جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد. پیروزی مجدد اسلام‌گرایان فرصت بی‌نظیری در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد تا روابط با ترکیه را ارتقا دهد. در آینده اسلام‌گرایان ترکیه در راستای تبدیل ترکیه به قدرتی محوری در منطقه حرکت و سعی می‌کنند نقش پررنگ‌تری در معادلات خاورمیانه بر عهده گیرند.

سطح بین‌المللی: پیامد اصلی پیروزی مجدد اسلام‌گرایان ترکیه در سطح بین‌المللی گرایش بیشتر سیاست خارجی این کشور به سوی استقلال عمل است و در عین حال، همکاری‌هایش را با غرب حفظ خواهد کرد. رد لایحه عبور سربازان امریکایی از خاک ترکیه و امتناع این کشور از در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی برای حمله به عراق، زمانی رخ داد که اسلام‌گرایان قدرت را در اختیار داشتند. در آینده نیز اسلام‌گرایان ترکیه ضمن حفظ روابطشان با غرب، درصدد بر خواهند آمد که استقلال عمل بیشتری از خود نشان دهند. پیروزی مجدد اسلام‌گرایان به معنای فاصله گرفتن ترکیه از اروپا نخواهد بود، بلکه ترکیه می‌خواهد با گسترش روابط با سایر قدرت‌های بزرگ (به خصوص چین و روسیه) بر وزن خود در معادلات بین‌المللی بیفزاید.

۴. اصول سیاست خارجی دولت اردوغان

نحوه تکامل و تحول تدریجی حزب عدالت و توسعه بر سیاست خارجی این حزب



تأثیر زیادی گذاشته است. این حزب برخلاف حزب رفاه^۱ و حزب نجات ملی^۲ (که عدم ارتباط با غرب مهم‌ترین رکن سیاست خارجی‌شان بود) تلاش کرد روابط خود را با غرب به خصوص اتحادیه اروپا حفظ کند. علاوه بر این، با حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳، ترکیه کوشید نقش فعالی در خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان ایفا کند. البته حفظ ارتباط با غرب و ایفای نقش در مناطق دیگر همچون خاورمیانه و آسیای مرکزی قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود، به گونه‌ای که اوزال توجه بسیاری به آسیای مرکزی داشت. اما تعمیق روابط با غرب و گسترش حضور در مناطق مهم دنیا همچون خاورمیانه و آسیای مرکزی با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و تحت تأثیر دکترین «عمق راهبردی» داوود اوغلو که بعداً مشاور اردوغان در امور خارجه شد، از اهمیت فراوانی برخوردار شد. مهم‌ترین و محوری‌ترین نکته این دکترین این بود که ارزش‌های ملی یک ملت در روابط بین‌الملل تحت تأثیر موقعیت ژئواستراتژیک آن ملت قرار دارد. بر همین اساس ترکیه به علت داشتن موقعیت ژئوپولیتیک بسیار حساس و کنترل بوسفر می‌تواند نقش مهمی در خاورمیانه و در ارتباط با غرب بازی کند. علاوه بر این، دکترین یادشده بر اهمیت پیوندهای تاریخی و فرهنگی دیرینه ترکیه با بالکان، آسیای مرکزی و خاورمیانه تأکید می‌کند. بر همین اساس ترکیه می‌تواند با ایجاد ائتلاف‌های چندجانبه منطقه‌ای به موازنه‌ای معکوس با غرب دست یابد و از آزادی عمل بسیاری در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار شود (Murinson, 2006: 945-964). می‌توان محورهای سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه را به شرح ذیل بیان کرد:

- توازن بین آزادی و امنیت؛
- تنش‌زدایی در سیاست خارجی منطقه‌ای؛
- سیاست‌های چندبعدی؛
- دیپلماسی انعطاف‌پذیر؛
- دیپلماسی متوازن. (Davutoglu: 2008, 79-84).

در ارزیابی تئوری «عمق راهبردی» داوود اوغلو، این تئوری دارای نقاط ضعف و همچنین نقاط قوت است. از نقاط قوت آن توجه این تئوری به پیشینه تاریخی ترکیه به عنوان کشوری شرقی و چرخش سیاست خارجی ترکیه از پافشاری روی تلاش‌های بی‌ثمر برای نزدیک شدن به غرب به منظور عضویت در اتحادیه اروپا، به سمت تعامل

1. Welfare Party
2. National Salvation Party

با کشورهای منطقه برای کسب موقعیت باثبات در قفقاز و خاورمیانه است. سابقه سیاست خارجی ترکیه در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی نشان‌دهنده تلاش دولت‌مردان این کشور در تقلید کورکورانه از فرهنگ و تمدن غرب بدون توجه به پیش‌زمینه‌های فرهنگی این کشور است که ثمری برای ترکیه جز از دست دادن جایگاه تاریخی خود میان کشورهای خاورمیانه نداشته است. اما سیاست‌گذاری‌های نوین ترکیه براساس تئوری احمد داود اوغلو، گویای این نکته است که ترکیه می‌خواهد با تکیه بر پیشینه تاریخی خود، جایگاهش را در خاورمیانه و قفقاز ارتقا دهد، و پس از موفقیت در این امر با اعتماد به نفس بیشتری به چانه‌زنی با اروپایی‌ها برای پیوستن به اتحادیه اروپا بپردازد. یکی از نکات مهم طرح‌شده در کتاب عمق استراتژیک، اشاره داود اوغلو به لزوم اتکای ملت‌ها به «اعتماد به نفس» برای پیشرفت در عرصه سیاست جهانی است (Murinson, 2006: 952). با اتکا به همین اصل، نخست‌وزیر ترکیه در اجلاس داووس پس از متهم کردن شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل، به نسل‌کشی فلسطینی‌ها، آن اجلاس را ترک کرد. این امر به افزایش محبوبیت ترکیه میان کشورهای مسلمان انجامید.

با آگاهی از برخی نقاط قوت تئوری عمق راهبردی داود اوغلو، نقطه ضعف عمده این تئوری بررسی می‌شود که از آن به «وهم در سیاست خارجه ترکیه» یاد می‌کنند و معلول نگاهی ساده‌انگارانه در سیاست‌های جدید خارجی این کشور است. داود اوغلو مدعی است با به صفر رساندن مشکلات ترکیه با همسایگانش، این کشور قادر خواهد بود ظرف برنامه‌های کوتاه‌مدت به قدرتی منطقه‌ای بدل شود. چشم‌انداز آرمانی این تئوری، رساندن ترکیه به قدرتی جهانی در بلندمدت است. «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان»، اولین و مهم‌ترین اصل تئوری عمق راهبردی داود اوغلو به طور جدی ضعف منطقی دارد؛ آشکار است که اگر ترکیه با همسایه خود مشکلی داشته باشد که آن مشکل تنها بین آن دو کشور باشد، شاید بتواند آن را حل کرد، یا به صفر رساند. اما در شرایطی که مشکل میان ترکیه و بیش از یک کشور باشد یا در مناقشه‌ای منطقه‌ای و جهانی چند کشور از جمله ترکیه درگیر باشند، احتمال دارد حل شدن مشکل ترکیه با یک همسایه به افزایش مشکلات با کشورهای دیگر بینجامد. برای مثال، نزدیک شدن ارمنستان به ترکیه و امضای پروتکل‌های برقراری روابط سیاسی میان دو کشور در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹ خشم مقامات جمهوری آذربایجان را برانگیخت. دولت‌مردان جمهوری آذربایجان که پیش از این ترکیه را «برادر بزرگ‌تر» خود می‌نامیدند، این کشور را به قطع جریان گاز ارسالی از این جمهوری به ترکیه تهدید کرده‌اند.



۵. جایگاه ایران در سیاست خارجی دولت اردوغان

ترکیه به طور جدی صفحه‌ای جدید در روابط خود با ایران در دهه گذشته گشوده بود؛ به گونه‌ای که گفت‌وگو، همکاری و روابط خوب همسایگی با تهران در دستور کار آنکارا قرار گرفته بود. ترکیه جمهوری اسلامی ایران را به عنوان متحدی طبیعی در جنگ علیه پکک در نظر داشت آنکارا و تهران در برخی نگرانی‌های سیاسی دیگر اشتراک نظر داشتند. از طرف دیگر، تلاش ترکیه برای کاهش وابستگی امنیتی به ایالات متحده، انگیزه‌ای برای این کشور جهت ایجاد خطی مستقل برای حل مشکلات امنیتی مربوط به ایران فراهم می‌کند. ترکیه بارها اعلام کرده است که مخالف گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه است و این نگرانی و مخالفت ترکیه به علت امکان تغییر توازن نظامی در منطقه است که می‌تواند ماشه‌چکان مسابقه هسته‌ای و ترکیب مشکلات فعلی در خلیج فارس باشد (Uygun, 2008: 6).

روابط اقتصادی ترکیه و ایران نیز در راستای ایجاد روابط حسنه سیاسی توسعه یافته است. بین سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۱ صادرات ترکیه از ۸۷ میلیون دلار به ۲ میلیارد دلار افزایش یافته و واردات این کشور نیز از ۹۱ میلیون دلار به ۸/۲ میلیارد دلار، در نتیجه توافق‌نامه خرید گاز ترکیه از ایران افزایش یافته است. بنابراین، حجم تجارت بین دو همسایه در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ میلیارد دلار رسیده است؛ (Ulgen, 2010: 3).

به طور کلی، جایگاه ایران در سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه به نحوی چشم‌گیر افزایش یافته است. امروز ایران سومین تأمین‌کننده انرژی ترکیه به شمار می‌رود و نقش‌آفرینی ترکیه در تحولات سیاست خارجی ایران مانند میزبانی چندین دور مذاکرات هسته‌ای ایران و میانجی‌گری فعال در این حوزه، مشارکت مؤثر در صدور بیانیه تهران در پرتو همراهی با قدرت نوظهور جهان یعنی برزیل و مخالفت با دور چهارم تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، به افزایش جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه کمک فراوانی کرده است. اما اکنون واقعیت چیز دیگری است.

در واقع، روابط ایران و ترکیه در سال‌های اخیر بر اساس اصول بنیادین عدم مداخله در امور داخلی، همسایگی خوب و همکاری اقتصادی و نظامی بنا شده است. در نتیجه، دولت ترکیه و افکار عمومی در این کشور تلقی از ایران به عنوان تهدید مستقیم خارجی ندارند (Ulgen, 2010: 4). اما وقوع برخی تحولات در سیاست خارجی ترکیه در ماه‌های اخیر سبب بروز چالش‌هایی جدی در روابط دو کشور شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) تحولات سوریه

رویکرد ترکیه در قبال سوریه بدان علت قابل تأمل است که چرخشی در این سیاست به چشم می‌خورد. از ابتدای سال میلادی گذشته که خاورمیانه دست‌خوش انقلاب در کشورهای مختلف شد، ترکیه مسیری را در دالان سیاست خارجی خود ایجاد کرد که بر پیگیری روند تحولات کشورهای منطقه یا چگونگی بهره‌برداری از این روند یا ایجاد فرصت‌های سیاسی به منظور بهره‌گیری در آینده نگرش خود به خاورمیانه یا تغییرات در اولویت‌های سیاست خارجی در این منطقه مبتنی است. اما بررسی نوع مواضع ترکیه در قبال تحولات تونس، مصر و لیبی و برخی کشورهای خاورمیانه و سرانجام تحولات سوریه، تناقض‌هایی را در این نگرش نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، ترکیه در تحولات تونس و مصر سعی کرد ارائه‌دهنده الگوی سیاسی یا حکومتی به این کشورها باشد و از روند انقلاب مردمی در این کشورها استقبال کرد. زمانی که خیزش مردمی به لیبی رسید، سیاست خارجی ترکیه ریتمی حمایت‌گرانه از انقلاب‌های منطقه‌ای داشت. در حقیقت، این کشور در ماه‌های اول کاملاً از رژیم قذافی حمایت کرد، اما با شتاب گرفتن روند تحولات و اوج‌گیری تظاهرات مردمی ناچار شد تغییری در سیاست خود ایجاد کند (Amanda and Seyrels, 2011:3). اما به نظر می‌رسد میان تمام کشورهای عرب که دچار آشوب‌های داخلی شدند هیچ‌کدام به اندازه ناآرامی‌های سوریه، سیاست خارجی ترکیه به رهبری اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه را به آزمون نکشیده است. آنچه تاکنون تحمل تغییرات سیاسی در سایر کشورهای عربی را برای آنکارا آسان می‌کرد، انطباق منافع ترکیه با قدرتمندترین کشور همسایه‌اش، ایران بود که پس از شورش‌های سوریه با هدف سرنگونی بشار اسد یکبارہ فروریخت. این اعتراضات که در ادامه قیام‌های برخاسته از بیداری اسلامی رخ داده، واکنش‌ها و برخوردهای متفاوت دو کشور همسایه سوریه را به همراه داشته است. البته جنس اعتراضات در سوریه با تحولات در سایر کشورهای عربی در ادامه بیداری اسلامی تفاوت‌های اساسی دارد.

نحوه برخورد ترکیه با بحران سوریه بیش از آنکه از انگیزه تشویق دموکراسی به منزله قدرت نرم ترکیه ناشی شده باشد، برخاسته از همراهی راهبردی ترکیه با غرب به ویژه ایالات متحده است و شاید دلیل این امر را بتوان در سه پیش‌فرض زیر جست‌وجو کرد:

الف) نگرانی ترکیه از روند تحولات منطقه به علت احتمالی افزایش و تقویت جایگاه ایران؛



ب) نگاه ترکیه اقتصادمحور یا سرمایه‌محور است، لذا کشوری مثل عربستان با توجه به جایگاهی که در نقل و انتقال سرمایه در خاورمیانه دارد و به تبع آن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و سرمایه‌هایی که کشورهای عربی در ترکیه دارند، بر نگرش ترکیه بر تحولات این دو کشور تأثیرگذار است.

ج) همسویی و همنوایی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه با سیاستی که امریکا و غرب پیگیری می‌کنند. این همسویی در ارتباط با کل تحولات منطقه، به ویژه در ارتباط با سوریه کاملاً محسوس است. ترکیه نگرش خود نسبت به سوریه را به شکلی تقسیم‌بندی کرده است که کاملاً از دل آن نگاه غرب به سوریه پدیدار می‌شود.

با توجه به سیاست جدید ترکیه در قبال سوریه، این سؤال مطرح است که چرا آنکارا یکباره در مورد سوریه به عنوان کشور همسایه تغییر سیاست داد، در حالی که سایر کشورها در خلیج فارس و شمال افریقا در مناطق پیرامونی و دورتری قرار داشتند؟ در پاسخ می‌توان گفت ترکیه در مسیر تغییر سیاست خارجی خود حرکت می‌کند و محورهایی نوین در سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه به چشم می‌خورد: اولین محور به تئوری رجب طیب اردوغان برمی‌گردد که در دوره سوم زمامداری حزب عدالت و توسعه با عنوان «کشور راهبر و پیشتاز» مطرح شد. این تئوری عملاً نشان داده است که دولت اردوغان نگرشی جدید در دیپلماسی خود تعریف کرده که با دو دوره گذشته کاملاً متفاوت است. در دوره پیش اردوغان تلاش کرد اعتمادسازی به انضمام گسترش روابط در خاورمیانه را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دهد و به آن عمل کند. بنابراین، توانست هم میان دولت‌ها و هم میان ملت‌ها به سمت نوسازی سیاست خارجی خود حرکت کند که از آن با عنوان «نگاه به شرق یا خاورمیانه» نام برده شد. اما در دوره سوم که هماهنگ و همسان با تحولات در خاورمیانه است، تحلیلگران از سیاست خارجی ترکیه در چند ماه اخیر تعریفی نوین ارائه داده‌اند (Kiffer, 2011: 5).

محور دومی که در سیاست خارجی ترکیه به چشم می‌خورد این است که این کشور سعی دارد خود را از بعد مسئله دفاع از حقوق ملت‌ها وارد صحنه کند یا از زاویه حقوق بشر یا اقدامات بشردوستانه سیاست‌های خود را پیش ببرد. به عبارت دیگر، این سه واژه را در سیاست خارجی ترکیه در ارتباط با خاورمیانه می‌توان لمس کرد که برای این مسئله مانور تبلیغاتی- رسانه‌ای زیادی انجام داده‌اند.

محور سوم این است که ترکیه از منظر یا مقام برتر به خاورمیانه نگاه می‌کند و به عبارت دیگر، جایگاه سیاسی خود را در موقعیتی فراتر می‌بیند. این جایگاه به ترکیه

کمک می‌کند در چانه‌زنی‌ها و پیشبرد محورهای سیاسی که از آن حمایت می‌کند به شکلی جدیدتر عمل کند.

چنان که مشاهده می‌شود، وضعیت سوریه چالش‌های جدی و مهمی فراروی دو کشور ایران و ترکیه در منطقه قرار داده است. از یک طرف، ترکیه معتقد است که مطالبات مردم سوریه برای آزادی‌های بیشتر، دموکراسی و لغو همه محدودیت‌ها بر حقوق سیاسی و انسانی، مشروع و قانونی است و دوستی بین کشورهای همسایه نباید به بهای عدم دسترسی مردم سوریه به دموکراسی تمام شود. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که سوریه قربانی توطئه‌ای مورد حمایت غرب است. بنابراین، تعارضاتی که در سیاست خارجی ترکیه دست‌کم در یک سال اخیر یا در فرایند تحولات خاورمیانه به چشم می‌خورد کاملاً مشخص می‌کند که مدار سیاست خارجی این کشور بر پیشبرد منافی است که تیم اردوغان تعریف کرده و سیاست بهبود روابط با همسایگان اکنون فرجام دیگری پیدا کرده و موجب تنش با همسایگان شده است.

ب) بیداری اسلامی

ایران و ترکیه هر کدام دیدگاه‌هایی خاص نسبت به مسائل و تحولات منطقه دارند که همسو با جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی هر یک از دو کشور است. در این چارچوب طبیعی است که درک دو کشور از تحولات جهان عرب و پیامدهای آن انعکاس‌دهنده دیدگاه‌ها، امیدها و برنامه‌ریزی‌های آتی آنها باشد. دیدگاه ترکیه در مورد انقلاب‌های جهان عرب بر اساس این ایده است که کشورهای منطقه به سوی دموکراسی حرکت خواهند کرد و این امر نیز اجتناب‌ناپذیر است. در راستای این ایده، ترکیه اقدام به پشتیبانی و حمایت از خواسته‌های مردم کشورهای عربی کرده و تأکید می‌کند که این خواسته‌ها، ارزش‌هایی مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشرند که ترکیه به آنها اعتقاد دارد. در نتیجه، در چشم‌انداز ترکیه تا زمانی که اراده واقعی برای تغییر وجود دارد، اصلاحات رادیکال در هر رژیم امکان‌پذیر است (Guzansky and Lindenstrauss, 2011: 6).

موضع‌گیری‌ها و عملکرد اخیر دولت ترکیه حاکی است که رهبران این کشور در تلاش برای رهبری جهان اسلام و ارائه مدلی جایگزین از اسلام سیاسی هستند که با برداشت جمهوری اسلامی ایران از اسلام متفاوت است. در این راستا تأکید بر هویت اسلامی دولت آنکارا و پیوندهای عمیق آن با جهان اسلام و ترمیم نگاه مسلمانان به ترکیه از یک سو، و نزدیکی با جهان غرب و اروپا از سوی دیگر مورد



توجه قرار گرفته است. این دو راهبرد با اهمیتی یکسان از سوی رهبران سیاسی آنکارا تعقیب می‌شوند. در تحکیم مناسبات ترکیه با کشورهای اسلامی و انجام پاره‌ای اقدامات که نزد افکار عمومی جهان اسلام مطلوب جلوه کند، آنکارا به دنبال آن است که عظمت گذشته امپراتوری عثمانی را در هیأتی جدید و با مختصاتی نوین بازآفرینی کند (Kiffer, 2011: 5). گواه این امر سفر اخیر اردوغان به مصر و لیبی و ابراز تمایل ترکیه مبنی بر به قدرت رسیدن سکولارها در این کشورهاست. از سوی دیگر، تحکیم روابط با جهان غرب (اتحادیه اروپا و آمریکا) از طریق اعمال برخی شروط مد نظر اتحادیه اروپا برای راهیابی ترکیه به آن اتحادیه و پیگیری مجدانه آن به رغم مخالفت‌های برخی ملی‌گرایان افراطی، و همکاری با دولت اوباما، ابزارهای قدرتمندی در اختیار آنکارا قرار می‌دهد تا منافع ملی خود را به دست آورد. در این راستا می‌توان میانجی‌گری ترکیه میان دمشق و تل‌آویو را نمایی کوچک از نقش میانجی‌گرایانه‌اش قلمداد کرد. چنین موضع‌گیری‌ها و عملکردهایی باعث شده است که رهبران ترکیه این کشور را هم‌چون الگویی نوین از اسلام سازگار با دموکراسی و علاقه‌مند به ارزش‌های غرب و در عین حال، پای‌بند به ارزش‌های اسلامی و به عنوان شریک قابل اطمینان برای کشورهای غربی معرفی کنند. ایالات متحده و شرکای غربی ترکیه هم علاقه‌مند هستند این کشور نماینده و سخنگوی کشورهای اسلامی و الگویی برای مسلمانان در عصر جدید و در تعامل با نظام بین‌الملل باشد تا با جذب این کشور پیام خود را مبنی بر پذیرش و تقویت اسلام امریکای به جهان اسلام انتقال دهند.

در این میان، دیدگاه ترکیه با دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر کشورهای عربی کاملاً تفاوت دارد؛ زیرا مقام معظم رهبری، ریاست‌جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی اذعان دارند که انقلاب‌های عربی (به استثنای سوریه) ملهم از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هستند. بدین ترتیب، این انقلاب‌ها به عنوان مظهر بیداری اسلامی در نظر گرفته می‌شوند و بر ارزش‌هایی مانند سرنگونی ظالم و عوامل غرب، دشمنی با آمریکا و اسرائیل، حمایت از مظلوم در برابر سلطه‌طلبان متکبر و کمک به ظهور خاورمیانه اسلامی متمرکزند که انقلاب اسلامی نیز بر آنها تأکید می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران بر خلاف ترکیه، ترجیح می‌دهد که اصلاحات دموکراتیک در کشورهای عربی به وسیله جنبش‌های اسلامی صورت گیرد، نه توسط گروه‌های لائیک و سکولار. به طور کلی، وقوع انقلاب‌های عربی موسوم به بیداری اسلامی، روابط ایران و ترکیه را در سطح منطقه‌ای در دو حوزه به چالش می‌کشد: یکی، حوزه خلیج فارس و دیگری، خاورمیانه.

ج) افزایش نفوذ در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

پس از عراق، خلیج فارس مهم‌ترین حوزه ژئوپولیتیکی ایران محسوب می‌شود. ترکیه به طور رسمی از سال ۲۰۰۸ با امضای پیمان راهبردی سیاسی، اقتصادی و امنیتی با شورای همکاری خلیج فارس وارد این حوزه شد. این پیمان در نوع خود، اولین پیمان بین شورای همکاری خلیج فارس و دولت‌های دیگر بود. از طرف دیگر، درک جمهوری اسلامی ایران از انعقاد این پیمان، تمایل شورای همکاری خلیج فارس به ایجاد توازن راهبردی با انگیزه مقابله با ایران بوده است. همین موضوع تا حد زیادی باعث نگرانی ایران از اقدامات ترکیه در خلیج فارس شده است. به نظر می‌رسد این نگرانی تهران منطقی است، زیرا از دیدگاه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، همکاری راهبردی با ترکیه می‌تواند به تعادل قدرت ایران در خلیج فارس کمک کند. در این راستا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس عضویت ترکیه به عنوان یک عضو ناظر در اتحادیه عرب، حمایت از تلاش‌های این کشور برای میانجی‌گری میان سوریه و اسرائیل و تقویت همکاری با ناتو را در دستور کار خود قرار داده‌اند (Guzansky and Lindenstrauss, 2011: 7).

نمونه دیگر تعارض منافع میان تهران- آنکارا که در نتیجه بیداری اسلامی در کشورهای عربی به وجود آمده در بحران بحرین قابل مشاهده است. ترکیه سعی در ایفای نقش میانجی‌گری برای مهار بحران بحرین کرد. در این راستا موضع رسمی ترکیه از سه عنصر اصلی تشکیل شده بود: حفظ امنیت و ثبات خلیج فارس، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی بحرین و تشویق بحرین برای انجام اصلاحات سیاسی (Cook, 2011: 4). در ادامه این بحران و با استقرار نیروهای سپر شبه‌جزیره عربستان در بحرین، تعارض دیدگاه‌های تهران- آنکارا آشکارتر شد. جمهوری اسلامی ایران این اقدام را مداخله نظامی تلقی می‌کرد، در حالی که ترکیه فقط به هشدار در مورد تشدید تنش در منطقه اکتفا کرد و خواستار خویشتن‌داری مقامات بحرینی در مقابله با این بحران شد. این موارد نشان می‌دهد که با ادامه انقلاب‌ها در کشورهای عربی روابط تهران- آنکارا تا چه حد ممکن است دست‌خوش تغییرات گسترده شود.

حوزه دیگر به مسائل لبنان و فلسطین مربوط می‌شود. تمام تحلیل‌گران جهان اسلام می‌دانند که کلید تحولات جهان اسلام، مسئله فلسطین است. این نگاه برگرفته از تاریخ تحولات جهان اسلام در قرن بیستم است. حرکت‌هایی هم‌چون اقدامات جمال عبدالناصر، قذافی، صدام و ... که رؤیای رسیدن به رهبری جهان عرب را در سر داشتند مؤید این مطلب است. تمام این افراد در ابتدا چهره‌ای ضد اسرائیلی از



خود نشان دادند. هم‌چنین با توجه به تحولات بیداری اسلامی اخیر، اهمیت مسئله فلسطین دوچندان شده است. در نتیجه هر کشوری که بخواهد به عنوان الگو و رهبر جهان اسلام مطرح باشد، ناگزیر است به صورت فعالانه در مسئله فلسطین ورود کند و راه‌حلی برای پایان یافتن آن ارائه دهد.

ترکیه در چند سال اخیر نشان داده است که به دنبال تبدیل شدن به الگویی در جهان اسلام از نظر مدل حکومتی است. حضور فعالانه در مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان اسلام که موجب افزایش روابط ترکیه با جهان اسلام شده و به طور خاص در مسئله فلسطین که ترکیه از کشوری متحد نظامی با اسرائیل به کشوری متعرض به اقدامات این رژیم تبدیل شده، از مهم‌ترین اقدامات ترکیه است که در راستای تبدیل ترکیه به الگویی برای جهان اسلام تحلیل می‌شود. دعوی لفظی اردوغان با شیمون پرز در زمان جنگ غزه، حمایت از اعزام کشتی آزادی و اقامه دعوی حقوقی در مجامع بین‌المللی، که سبب ایجاد تنش میان روابط ترکیه و اسرائیل شد، از حرکت‌های دولت‌مردان ترکیه بود که افکار عمومی جهان اسلام را به خود معطوف کرد. اما نگاه بلندمدت ترکیه به مسئله فلسطین با گفتمان مقاومت متفاوت است. ترکیه رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد و به رغم ایجاد تنش، روابط سیاسی خود را حفظ کرده است. ترکیه تنها سطح روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل تقلیل داده و به سطح دبیر دوم رسانده است که به معنای قطع روابط دیپلماتیک نیست. از طرفی، ترکیه رسماً به موجودیت اسرائیل احترام می‌گذارد و به هیچ وجه قائل به حذف این رژیم نیست. مجموع این نکات به معنای ناهمخوانی نگاه ترکیه به مسئله فلسطین با نگاه منبعث از گفتمان مقاومت است و اگر برای حرکت ترکیه مقصدی تصور شود، ایجاد تفاهم میان گروه‌های مبارز فلسطینی و رژیم اسرائیل است. در واقع، هدف ترکیه در مسئله فلسطین حفظ وضع موجود است (Aras, 2009).

ترکیه در طول چند سال گذشته سعی کرده است با برقراری روابط به عرصه سیاسی لبنان وارد شود (Bolme, 2009: 25). آنکارا در تلاش برای کاهش نفوذ ایران در لبنان از طریق ایجاد روابط متوازن با احزاب مختلف لبنان است؛ چنان که سفر اردوغان به لبنان در مدت کوتاهی پس از سفر احمدی نژاد به این کشور، گواه آن است. با این حال به نظر می‌رسد حضور ترکیه در عرصه سیاسی لبنان چندان موفقیت‌آمیز نبوده و هم‌چنان نفوذ جمهوری اسلامی در این کشور بیش از سایر کشورهاست. دلیل این امر خودداری حزب‌الله از پذیرش پیشنهاد میانجی‌گری مشترک ترکیه و قطر پس از سقوط دولت سعد حریری در لبنان است. برخلاف عدم موفقیت ترکیه برای حضور

فعال در عرصه سیاسی لبنان، افزایش نفوذ این کشور در عرصه سیاسی فلسطین مشهود است. نفوذ ترکیه در فلسطین به ویژه پس از حمله اسرائیل به نوار غزه آشکارتر شد. این حادثه، اعتراض معروف اردوغان در سال ۲۰۰۹ در مجمع جهانی اقتصاد در داووس طی میزگردی با شیمون پرز را به دنبال داشت. به دنبال این اعتراض، اسرائیل اقدام به حمله به کشتی حاوی کمک‌های بشردوستانه ترکیه به مقصد نوار غزه کرد. بدین ترتیب با توجه به نفوذ ترکیه در فلسطین، انتظار می‌رود این موضوع سایه خود را بر روابط بین دو کشور در دوره‌های آتی باقی گذارد (Bakir, 2011: 5).

د) سامانه دفاع موشکی

سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان، ترکیه پذیرفت سامانه دفاع موشکی ناتو را در خاک خود مستقر کند. ترکیه در نشست عالی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) سال گذشته در لیسبون برگزار شد، نظر نهایی خود را برای پذیرش استقرار سامانه سپر موشکی امریکا - ناتو در خاک خود اعلام کرد (Hildreth and Carl, 2011). به رغم فراز و نشیب‌هایی که ترکیه در اعلام پذیرش سپر دفاع ضد موشکی ناتو طی کرد، در نهایت، مقامات ترک با استقرار آن در خاک کشورشان موافقت کردند. اما مهم‌ترین دغدغه آنکارا در استقرار این سامانه، صرف‌نظر از هزینه‌های بالای آن، برهم‌خوردن معادلات کنونی سیاست خارجی این کشور در منطقه است. با پذیرش استقرار سامانه در خاک ترکیه و به تبع آن واکنش‌های ایران و روسیه به عنوان دو همسایه بانفوذ و قدرتمند در قبال استقرار این سامانه، عملاً سیاست کنونی و چندوجهی ترکیه و به طور مشخص‌تر، سیاست «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» با چالش مواجه شده است.

درک صحیح ماهیت و ابعاد طرح پیشنهادی ناتو به ترکیه، بدون توجه به پیشینه این طرح و نیز سایر طرح‌های پیشنهادی و در حال اجرای ناتو امکان‌پذیر نیست. در واقع، این طرح تداوم فرایندی طولانی از زمان پروژه جنگ ستارگان رونالد ریگان علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ و طرح سیستم دفاع موشکی ملی کلینتون در دهه ۱۹۹۰ است. در دوران ریاست‌جمهوری جورج بوش، طرح استقرار سیستم دفاع موشکی با جدیت بیشتری پیگیری شد و دو کشور چک و لهستان در شرق اروپا به عنوان محل استقرار این سامانه برای مقابله با موشک‌های دوربرد روسیه مد نظر قرار گرفتند. طرح یادشده از سه عنصر تشکیل می‌شد: نخست، موشک‌های رهگیری که از این توانایی برخوردار بودند که موشک‌های پرتاب‌شده را نابود کنند. به علاوه، دو



سامانه رادار باند ایکس که در اصطلاح ۳۶۰ درجه امکان چرخش دارند. این طرح با توجه به مخالفت شدید مسکو راه به جایی نبرد. ناگفته نماند امریکایی‌ها در آن مقطع با پیشنهاد روسیه مبنی بر استفاده مشترک از رادار قبله در آذربایجان، به منظور رهگیری موشک‌های ایران مخالفت کردند، چون اطلاعات دریافتی از این رادارها به طور مستقیم در اختیار روسیه قرار می‌گرفت (Demirel, 2009: 5). با روی کار آمدن باراک اوباما، کوشش مجددی برای احیا و عملیاتی کردن طرح‌های دفاع موشکی انجام گرفت. بدین منظور در سپتامبر ۲۰۰۹، دولت اوباما بودجه‌ای ۳/۱۵ میلیارد دلاری را با هدف استقرار سپر دفاع موشکی در مناطق مورد تهدید به تصویب رساند. شایان ذکر است در طرح جدید این بار به جای شرق اروپا و مقابله با موشک‌های دوربرد روسیه که موجب حساسیت و واکنش شدید روسیه می‌شد، ترکیه به عنوان محل استقرار سامانه موشکی انتخاب و مقابله با موشک‌های کوتاه‌برد ایران به عنوان هدف طرح اعلام شد. در راستای این طرح، ایالات متحده در ۹ سپتامبر ۲۰۰۹ اعلام کرد که در حال برنامه‌ریزی برای فروش سیزده سامانه موشک پاتریوت، موشک‌های PAC-3 و سخت‌افزارهای مربوط به پایگاه‌های زمینی دفاع هوایی به ترکیه است. این تصمیم آشکارا نشان داد که واشنگتن ترکیه را به عنوان جایگزین اروپای شرقی در طرح استقرار سپر دفاع موشکی انتخاب کرده است. علاوه بر این، محافل خبری اعلام کردند که ارتش ترکیه در نظر دارد رادارهای مخصوصی را برای شناسایی سکوه‌های پرتاب موشک‌های بالستیک ایران در خاک خود مستقر کند و در همین راستا قصد خرید موشک‌های رهگیر پاتریوت PAC-3 ساخت امریکا را دارد (Venetis, 2011). در واقع، در ادامه تحولات یادشده طی جریان نشست شورای راهبردی امریکا در بیست و نهمین اجلاس شورای همکاری ترکیه و امریکا در واشنگتن، موضوع استقرار سیستم‌های موشکی ناتو در خاک ترکیه با هدف مقابله با سیستم‌های موشکی ایران مطرح شد (Demirel, 2009: 6).

با توجه به عوامل فوق، اهدافی که امریکا از استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه دنبال می‌کند عبارت‌اند از:

(الف) حفاظت از اسرائیل و تحت فشار گذاشتن ایران.

(ب) امریکا قصد دارد در صورت وقوع جنگ بین ایران و اسرائیل، ترکیه را در صف دفاع از اسرائیل قرار دهد و همین مسئله هدف اصلی امریکا و ناتو برای استقرار سپر دفاع موشکی در ترکیه است.

(پ) با استقرار این سیستم موشکی نزدیک مرزهای روسیه، این کشور تحت فشار

قرار می‌گیرد و اهداف احیای نفوذ و گسترش حاکمیت روسیه در کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی خنثی می‌شود و امریکا درباره این مسئله به روسیه هشدار می‌دهد. امریکا هم‌چنین می‌خواهد با استقرار سپر دفاع موشکی در ترکیه به اتحاد ترکیه و روسیه در دریای سیاه که برای ایجاد آن تلاش می‌شود، پایان دهد. بنابراین اگر ترکیه سپر دفاع موشکی امریکا را رد کند، به رغم تأکید ظاهری بر «مدل مشارکتی» روابط ترکیه و امریکا به بن‌بست شدیدی دچار خواهد شد.

اینکه چرا ترکیه با استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک خود موافقت کرده است جواب‌ها و تحلیل‌های بسیاری دارد، اما بی‌تردید روشن‌ترین دلیل آن است که ترکیه قصد دارد تحولات جدیدی در مناسبات و معادلات سیاست خارجی خود به وجود آورد. ترکیه با این تحولات که مدت‌هاست به دنبال آن است، در غیاب کشورهای که بتوانند سیاست خارجی تأثیرگذار و فعالی داشته باشند، بتواند موقعیت برتر خود را نسبت به بسیاری از همسایگانش حفظ کند و نقشی اساسی در حوادث دنیای اطراف خود داشته باشد. در سند راهبردی ۲۰۰۵ ترکیه بندی وجود داشت که موشک‌های شهاب ۳ ایران را تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه معرفی کرده بود (Dowd, 2011: 5). درست است که ترکیه با حذف این بند ایران را تهدیدی برای امنیت ملی خود قلمداد نکرد، اما نتوانست از فوایدی که با استقرار سپر دفاع موشکی نصیبش می‌شود، چشم‌پوشی کند. نکته دیگر اینکه ترکیه در هر حال عضو مهمی از ناتو است و راهبردهای امنیت ملی و نظامی آن در قالب ناتو تعریف می‌شود. نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که علاوه بر موارد یادشده، با اینکه ترکیه در روابطش نیم‌نگاهی به شرق دارد، اما در پیگیری منافع بلندمدت خود همواره پشت سر غرب حرکت کرده است. نمونه آن تنش‌هایی است که اخیراً با اسرائیل پیدا کرده است. بنابراین، سیاست ترکیه درباره سپر دفاع موشکی ناتو در چارچوب تحلیل منطقه‌ای نیست، بلکه در سطح بین‌المللی و در سطح ناتو است. به نظر می‌رسد ترکیه بیشتر قصد دارد خود را با سیاست ناتو و سیاست‌های دیکته‌شده امریکا هماهنگ کند. بر این مبنای، استقرار سامانه دفاع ضد موشکی امریکا در ترکیه، حلقه‌ای دیگر برای تهدید ایران و هم‌چنین گامی دیگر برای تحکیم یکجانبه‌گرایی امریکاست.

با توجه به اینکه هدف این طرح مقابله با تهدیدهای موشکی ایران اعلام شده و استقرار آن نزدیک مرزهای ایران در راستای آنچه تهدید ایران خوانده می‌شود صورت گرفته است، وزارت امور خارجه ایران به آن واکنش نشان داد. مهمانپرست، سخنگوی وزارت امور خارجه، در این باره گفت: «ایران هرگونه اقدامی را که موجب نظامی شدن فضای بین‌المللی و در نتیجه ایجاد رقابت‌های تسلیحاتی در سطح جهان و



منطقه شود، به زیان جامعه جهانی و امنیت بین‌المللی می‌داند و آن را تقبیح می‌کند (www.fararu.com, 18/6/1390). هم‌چنین احمد وحیدی، وزیر دفاع ایران، در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس استقرار سامانه دفاع ضد موشکی ناتو در خاک ترکیه را مورد انتقاد قرار داده و این موضوع را عامل ناامنی دانسته و گفته است: «ما حضور امریکایی‌ها و غربی‌ها را در کشورهای اسلامی همواره عنصری مزاحم، مخل امنیت و آسیب‌زا در کشورهای اسلامی می‌دانیم» (www.aftabnews.ir, 15/6/1390). هر چند ترکیه تلاش کرد توجیهی مسالمت‌جویانه از استقرار سامانه دفاع ضد موشکی ارائه دهد و هم‌چنین از ناتو خواست به طور شفاف از ایران به عنوان تهدید و دلیل استقرار این سامانه دفاع یاد نکند، اما با استقرار سپر موشکی، جمهوری اسلامی ایران خود را در معرض سیاست‌های خصمانه ناتو می‌بیند و بدون شک، استقرار چنین موشک‌هایی در خاک ترکیه تهدید امنیتی علیه ایران به شمار می‌رود و تهران نمی‌تواند به آن بی‌اعتنا باشد. اگر قرار باشد همسایه‌ای عامل تهدید کشور همسایه باشد، قطعاً در بلندمدت مناسبات دو کشور به شدت تخریب می‌شود. با اینکه ایران و ترکیه به عنوان دو کشور دوست و اسلامی، به ویژه پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه، مناسبات خود را بیش از پیش گسترش داده‌اند، بی‌شک استقرار سپر موشکی امریکا و ناتو در خاک ترکیه، گامی معکوس در روند مناسبات رو به رشد کنونی تهران- آنکارا خواهد بود. هرچند در بیانیه وزارت خارجه ترکیه به نام ایران و تهدید جمهوری اسلامی اشاره‌ای نشده ولی این اقدام ترکیه می‌تواند مرحله آغازین پروژه‌ای بزرگ باشد که موجبات نگرانی بیش‌تر را در آینده فراهم کند. درست است که روابط ایران و ترکیه طی سال‌های اخیر از ثبات نسبی برخوردار بوده و سوءتفاهمات میان دو کشور در بسیاری زمینه‌ها برطرف شده است و طرفین توجهی ویژه به اعتمادسازی متقابل مبذول داشته‌اند، و همکاری فی‌مابین در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترش یافته است، اما به نظر می‌رسد با پذیرش این طرح توسط ترکیه، مناسبات رو به رشد ترکیه با ایران در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و این امر می‌تواند ضربه‌ای بر پیکر دکترین تنش‌زدایی ترکیه در عرصه سیاست خارجی این کشور باشد.

نتیجه‌گیری

به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه از طریق حزب عدالت و توسعه روابط ایران و ترکیه را وارد مرحله‌ای جدید کرد. مرزهای مشترک، پیوندهای تاریخی و فرهنگی همراه با ضرورت‌های اقتصادی سبب شده است که به رغم تعارضات ایدئولوژیک و



رقابت‌های منطقه‌ای، روابط دو کشور از زمان تأسیس ترکیه نوین توسط آتاتورک در سال ۱۹۲۴ تا زمان به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان، با وجود فراز و نشیب‌های قطعی، تداوم یابد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نگاه متفاوت دو کشور در خصوص دین و نقش آن در اداره جامعه همراه با اختلاف نظر درباره سیاست خارجی موجب بروز تنش‌های جدی در روابط دو کشور شد. اما به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه نه تنها مورد استقبال رهبران جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، بلکه آغاز دورانی جدید از روابط را در پی داشت که به بهار روابط ایران و ترکیه معروف شده است. دو شاخصه روابط جدید ارتقای همکاری‌های اقتصادی دو کشور و تلاش ترکیه برای میانجی‌گری در تنش موجود در روابط ایران و غرب بر سر موضوع هسته‌ای است. اما به رغم گسترش روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان، به تدریج ابرهایی در آسمان این روابط ظاهر و سبب بروز اختلاف نظرهایی در روابط دو کشور شد. تنش‌های اخیر در روابط دو کشور ناشی از تداوم اصول سیاست خارجی دوران حاکمیت سیاست‌مداران لائیک در دوران جدید است. به عبارت دقیق‌تر، آنالیز سیاست خارجی ترکیه بر اساس دیدگاه‌های عمق راهبردی احمد اغلو، وزیر خارجه کنونی ترکیه، بیانگر این مهم است که ترکیه تحت حاکمیت اسلام‌گرایان همان اصول سابق گسترش نفوذ در خاورمیانه برای تبدیل شدن به بازیگری منطقه‌ای، حفظ روابط با غرب و اولویت دادن به آن و تغییر جغرافیای سیاسی منطقه را برای تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای تعقیب می‌کند. با توجه به چنین اهدافی، ترکیه برخلاف ایران، از مخالفین رژیم بشار اسد در سوریه حمایت و درصدد ارائه الگوی خود به جنبش‌های اسلامی در کشورهای عربی است و مهم‌تر اینکه با استقرار سپر دفاع موشکی غرب در خاک خود موافقت کرده است. هر سه موضوع با دیدگاه‌های ایران در تضاد است. جمهوری اسلامی ایران رژیم بشار اسد را به دلیل حمایت از مقاومت از متحدان راهبردی خود می‌داند؛ مخالف تلاش‌های ترکیه برای مصادره انقلاب‌های عربی در راستای سیاست‌های غرب است و بالاخره استقرار سپر دفاع موشکی از نظر ایران، راهکاری برای تنگ کردن حلقه محاصره علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی غرب، به ویژه امریکاست. با توجه به چنین پیشینه‌ای شاید بتوان ادعا کرد که سیاست‌های اخیر ترکیه فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چالش اساسی ایجاد کرده و بر مسئولان سیاست خارجی باید در موضوع روابط با این کشور بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت عمل کنند و منافع ملی جمهوری اسلامی را در رأس اولویت‌های خود در روابط با این کشور قرار دهند.



- «انتقاد وزیر دفاع از استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه»، ۱۵ شهریور ۱۳۹۰:
www.aftabnews.ir/vdchwnzx23nxvd.tft2.html

- «واکنش ایران به استقرار سپر موشکی ناتو در ترکیه»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۸ شهریور ۱۳۹۰:

<http://www.fararu.com/vdcep8v.jh8vvi9bbj.html>

- اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عرصه نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- اکبری، نورالدین (۱۳۸۷)، «قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران»، نشریه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۵.

- پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور»: <http://www.startegicreview.org>.

- فلاح زاده، محمدهادی (۱۳۸۴)، ترکیه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- کوزه‌گر، ولی (۱۳۸۶)، «جمهوری سرگردان»، همشهری دیپلماتیک، س ۲، ش ۱۵.

- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «میان‌روهای کارآمد»، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۷.

- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «تجربه جدید ترکیه: تقابل گفتمان‌ها»، مجله راهبرد، ش ۴۷.

- واعظی، محمود (۹۰/۹/۱۵)، «علل پیروزی اسلام‌گرایان در ترکیه»، <http://www.GSR.ir>.

- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- یزدی، ابراهیم (۸۲/۸/۱۰)، «اسلام‌گرایی و دموکراسی؛ تجربه ترکیه»، روزنامه اعتماد ملی.

- "A Call for Respect and Calm" (2006), Recep Tayyip Erdogan and Jose Luis Rodriguez Zapatero, *International Herald Tribune*, Sunday, February 5, website at: www.gees.org/Documents/pdf-668-Document
- Alan W. Dowd (2011), "NATO Begins Building a Transatlantic Missile Defence", *Fraser Forum Institute*, at: www.fraserinstitute.defen...-missile-transatlantic-building-org/.../NATO
- Amanda, Paul and Demir Murat Seyrek (2011), "Turkish Foreign Policy and the Arab Spring", *European Policy Centre*, At: www.epc.spr.-arab-the-and-policy-foreign-turkish-1322-eu/.../pub
- Aras, Bulen (2009), "Turkey and the Palestinian Question", *Foundation for Political Economic and Social Research* at: www.bulentaras.com/fp/files/policy_brief27.pdf
- Iranian Relation in the Shadow-- Bakir, Ali Hussein (2011), "Turkish of the Arab Revolution: A Vision of the Present and the Future", *Al Jazeera Centre for Studies*, Available at: <http://www.aljazeera.net/Studies>.
- Bolme, Selin M (2009), "Charting Turkish Diplomacy in Gaza Conflict", *Insight Turkey*, Vol. 11, No. 1.
- Burhan, Kor Oglu (2011), "Turke's Position Toward Syria after the Influx of Refugees", *Al Jazeera Centre for Studies*, at: <http://www.aljazeera.net/studies>.
- Cook, Steven A (2011), "Arab Spring, Turkish Fall", *Foreign Policy*, at: http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/05/05/arab_spring_turkish_fall.
- Davutoglu, Ahmet (2008), "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", *Insight Turkey*, Vol. 10, No. 1.
- Demirel, Suleyman (2009), "Turkey and Nato at Threshold of a



- New Century, *Journal of International Affairs*, Vol. 5, No. 1.
- U. S Relation”-- Dialogue Snapshot, “Iran and the Future of Turkish (2010), *The Hollings Centre*, Available at: www.hollingscenter.org
- Guzsanskey, Yoel and lindenstrauss, Gallia (2011), “The Rise and Iranian Axis”, *Meddle East Media Monitor*, -Fall of a Turkish Available at: <http://www.fpri.org>.
- Guzsanskey, Yoel and lindenstrauss, Gallia (2011), “Turkey and Iran: The Politics of Strange Bedfellows”, *Journal of Strategic Assessment*, Vol. 14, No. 1
- Hildreth, Steven A. E k. Carl (2011), “Missile Defence and Nato’s Lisbon Summit”, *Congressional Research Service*, at: www.fas.org/sgp/crs/row/R41549.pdf
- Loannis, N. Grogiasdis (2010), “The Davutoglu Doctrine and Turkish Foreign Policy”, *Middle Eastern Studies Programme*, Available at: <http://www.eliumep.gr>.
- Martin, Griffiths (1999), *Fifty Key Thinkers in International Relation*, London: Rutledge.
- Murison, Alexander (2006), “The Strategic Depth in Turkish NO. 6. Vol. 42, *Studies, Middle Eastern Foreign Policy*”,
- Sozen, Ahmet (2006), “Changing Fundamental Principles in Turkish Foreign Policy Making”, *Annual Conference of the International Studies Association*, Available at: ir.emu.edu.tr/staff/asozen/pub/updatecv.pdf.
- Sozen, Ahmet (2010), “Shift in Turkish Foreign Policy: Transition and Challenges”, *Turkish Studies*, Vol. 11, No. 1.
- Taper, Record (2007), “*Islam in Modern Turkey*”, London: Tauris.
- Ulgen, Sinan (2010), “Preventing the Proliferation of Weapons of Mass Destruction: What Role for Turkey”, *Transatlantic Academy Paper Series*, Available at: <http://www.transatlanticacademy.org>.
- Uygur, Hakki (2008), “Iran’s Nuclear Ambitions and Turkey”,

Policy Brief, February 2008, No. 7.

Iranian Relation & the Nato- Venetis, Evangelos (2011), “Turkish Missile Defence Radar”, *Middle Eastern Studies Programme*, ELIAMEP, Greece the University of Leiden, the Netherlands, At: 20111. pdf.- notes_5_November-kms1.isn.ethz.ch/... /Briefing -Kieffer, Paul (2011), “Erdogan’s Grand Vision for Turkey and the Arab World”, World”, *World News & Prophecy’s & Prophecy*, world. htm- arab-at:<http://www.wnponline> the

Archive of SID



السياسة الخارجية الجديدة لتوكيا و التهديدات الأمنية الماثلة أمام الجمهورية الإسلامية الإيرانية

الدكتور حسين مسعودنيا^١

داوود نجفى^٢

قبل: ١٤٣٣/٣/٤

تسلم: ١٤٣٣/١/٢٣

قد بدأت مرحلةً جديدةً في علاقات الجمهورية الإسلامية الإيرانية مع تركيا بعد وصول الإسلاميين التركيين إلى السلطة منذ عام ٢٠٠٢ بقيادة حزب العدالة والتنمية. حيث أنّ قد تُعدّ هذه المرحلة ربيع العلاقات بين البلدين. لكن بعد أن مضت مرحلة من الإستقرار و الهدوء، قد أثارت التطورات الأخيرة في منطقة الشرق الأوسط، تحدياتٍ في العلاقات بين البلدين. و يريد هذا القول أن يحلّل عوامل تغيير سياسة أنقرة بالنظر إلى النظرية الكونستراكتيوية و يدقق في آثار و عواقبها على الأمن الوطني للجمهورية الإسلامية الإيرانية. تشير نتائج البحث إلى أنّ أكبر التحديات في العلاقات بين البلدين يدور حول ثلاثة مواضيعٍ هي التطورات السورية و الموجة المعروفة بالصحة الإسلامية و نشر منظومة الدرع الصاروخي للنااتو في أراضي التركية. يبدو أنّ للعامل الثالث أكبر تأثيرٍ على العلاقات بين البلدين. لأنّه خلافاً للعوامل الأخرى يعتبر تهديداً مباشراً على الأمن الوطني للجمهورية الإسلامية الإيرانية. أنّ منهج البحث في هذا المقال هو منهج توصيفي - تحليلي إضافة إلى الإستفادة من المصادر المكتبية و الإستراتيجية.

الكلمات الرئيسية:

إيران، تركيا، الصحة الإسلامية، منظومة الدرع الصاروخي، السياسة الخارجية

